

(۳۱)

روش‌شناسی ترجمه جلال‌الدین مجتوبی از قرآن کریم

د. محمد حسن امرائی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران.

چکیده

برخی ناقدان و صاحب‌نظران حوزه ترجمه بر این اعتقادند که ترجمه جلال‌الدین مجتوبی از دقیق‌ترین ترجمه‌های معاصر قرآن است. با تأمل در ساختار و محتوای این ترجمه، چنین دریافت می‌شود که مترجم، علاوه بر مؤلفه‌های فراوانی که با سبک ترجمه تحت‌اللفظی و معادل سازگار است، غالباً تعابیر مجاز، استعاره‌ها، کنایه‌ها، اصطلاحات و اسامی مبهم، ضرب‌المثل‌ها و ... را به سبک محتوایی و یا سبک تلفیقی و ترکیبی: "معنایی (تحت‌اللفظی) - ارتباطی" برگردان نموده که مؤید ترجمه‌ای مخاطب‌محور است. هدف این مقاله، نقد روش‌شناسی ترجمه مجتوبی از قرآن کریم است تا نشان دهد که این ترجمه، علاوه بر رویه معادل و تحت‌اللفظی، عمدتاً ترجمه‌ای ارتباطی و پیامی است. دستاورد پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، نشان داد که این ترجمه، علاوه بر اعتماد به ساختارها و مختصات زبان مبدأ، غالباً ترجمه‌ای "معنایی (تحت‌اللفظی) - ارتباطی" است. در این ترجمه شاخص‌های فراوانی یافت می‌شود که مؤید سبک تلفیقی "معنایی - ارتباطی" است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه مجتوبی، ترجمه‌ی معنایی - ارتباطی، روش‌شناسی.

۱- مقدمه و بیان مسئله

یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی ترجمه، بررسی سبک‌ها و روش‌های ترجمه است. پیش از گسترش مباحث زبان-شناختی، تقسیم‌بندی روش‌های ترجمه به دو دسته لغوی (لفظی) و معنایی (مفهومی) مطرح بوده است. چنانکه حتی امروزه هم برخی زبان‌شناسان و صاحب‌نظران حوزه ترجمه بر این دو نوع - البته به نوعی خاص - تأکید می‌ورزند. "میلدرد لارسون"، دو نوع ترجمه را معرفی می‌کند: ۱. ترجمه بر اساس صورت یا قالب. ۲. ترجمه بر اساس معنا (ر.ک: قلی‌زاده، ۱۳۸۰ش: ۲۰). "پیتر نیومارک" نیز با نظر به حساسیت ترجمه، آن را به هشت نوع متفاوت دسته‌بندی کرده است: ۱. ترجمه لفظ به لفظ. ۲. ترجمه تحت‌اللفظی. ۳. ترجمه وفادار یا امین. ۴. ترجمه معنایی. ۵. اقتباس. ۶. ترجمه آزاد. ۷. ترجمه اصطلاحی. ۸. ترجمه ارتباطی. (ر.ک: جواهری، ۱۳۸۴ش: ۱۳۷). بی-آزار شیرازی، ترجمه‌های قرآن را هفت نوع دانسته است: ۱. ترجمه لغوی یا ترجمان القرآن؛ ۲. ترجمه تحت-اللفظی؛ ۳. ترجمه حرفی و معنوی (ترجمه امین) (۶)؛ ۴. ترجمه و حواشی؛ ۵. ترجمه به شعر معنوی (منظوم)؛ ۶. ترجمه آوایی یا آهنگین؛ ۷. ترجمه تفسیری (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶ش: ۲۴۶). محمدعلی رضایی اصفهانی،

^۱ m.amraei@Velayat.ac.ir

مرزبندی متفاوتی از روش‌های ترجمه ارائه داده و ترجمه قرآن را سه دسته کلی تقسیم نموده‌اند: ۱. ترجمه لفظ به لفظ (= تحت اللفظی = حرفی). ۲. ترجمه جمله به جمله (= هسته به هسته = معنوی = امین). ۳. ترجمه آزاد (= تفسیری = خلاصه التفاسیر) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳ش: ۳۳) البته، این گونه تقسیم‌بندی‌ها، بسیار به هم نزدیک بوده و تشخیص مرز میان آنها تقریباً امری ناممکن می‌نماید. لذا، ارائه یک تقسیم‌بندی منطقی جامع و شامل، مطلوب و مورد نظر است. شاید دقیق‌ترین تقسیم‌بندی از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، به سه روش: ترجمه‌های تحت اللفظی، ترجمه‌های وفادار و ترجمه‌های آزاد (تفسیری) مناسب‌تر باشد. (ناصری، ۱۳۹۳ش: ۱۵۲)؛ بنابراین تقسیم‌بندی‌ها، با تأمل در ساختار و محتوای ترجمه مجتبوی، می‌توان ترجمه‌ی او را ترجمه‌ای معنایی - ارتباطی نامید؛ بدین معنی که در ترجمه خود و به‌ویژه قطبهای استعاری و مجازی زبان عمدتاً دارای روشی ارتباطی و مفهومی است و بیشتر انتقال پیام آیات را در نظر دارد. این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی به ذکر نمونه‌هایی استقرائی و کاملاً تصادفی از سراسر ترجمه‌ی مجتبوی از قرآن کریم پرداخته، تا نشان دهد که این ترجمه، غالباً به سبک معنایی و ارتباطی شکل گرفته است؛ زیرا از یک طرف، مترجم تا سر حد ممکن تلاش نموده به متن مبدأ وفادار باشد و از طرف دیگر در تعابیر مجاز، کنایه، استعاره، اسماء مبهم، اصطلاحات و ... که احیاناً معادلی مشخص در زبان مقصد ندارند، انتقال پیام آن را محقق سازد. البته، نباید فراموش کرد که بسیاری از ترجمه‌های فارسی موجود، هر یک مشتمل بر انواعی از روش ترجمه است، چه بسا در یک آیه، هم ترجمه‌ی لفظ به لفظ وجود داشته باشد و هم تحت اللفظی و هم وفادار، هم محتوایی و هم تفسیری و آزاد، همان‌گونه که آقای مجتبوی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و ترجمه‌ی ایشان گاهاً تنوع و گوناگونی زیادی دارد. این پژوهش به دنبال آن است تا به خواننده نشان دهد که ترجمه مجتبوی از قرآن کریم غالباً متشکل از سبک ترکیبی و تلفیقی معنایی - ارتباطی است.

۱ - ۲ - پیشینه پژوهش

درباره قرآن کریم و ترجمه فارسی آن، به شکل جداگانه، کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی نگارش یافته است که در این مقاله به خاطر پرهیز از تکرار مکررات از ذکر آنها خودداری می‌گردد؛ اما در ارتباط با ترجمه فارسی مجتبوی از قرآن کریم که از بارزترین تلاش‌های شاخص و قابل اعتنا در زمینه ترجمه قرآن کریم در روزگار معاصر به‌شمار می‌رود، تا آنجا که نگارندگان این مقاله مطلع هستند، به نظر می‌رسد که تاکنون پژوهشی مستقل و جامع در قالب یک مقاله یا رساله آکادمیک در خصوص نقد سبک ترجمه ایشان صورت پذیرفته است.

۲ - ۲ - سؤال‌های پژوهش

۱. سبک مجتبوی در ترجمه قرآن کریم چگونه است؟
۲. سبک ترجمه قرآن کریم در نحوه انتقال مفاهیم الهی چه نقشی دارد؟
۳. ترجمه مجتبوی تا چه میزان با ساختارهای مختلف زبان مبدأ (قرآن کریم) منطبق است؟
۴. آیا مجتبوی توانسته است درخصوص واحدهای زبانی زبان مبدأ و مقصد، در حوزه ساختاری و بافتاری، معادل‌یابی دقیق و بی‌کم و کاستی را انجام دهند؟

۳-۲- فرضیه‌های پژوهش

سبک ترجمه مجتبی‌ی علاوه بر تطابق و تعادل الفاظ با زبان مبدأ، غالباً سبکی ترکیب و تلفیقی است که می‌توان آن را با عنوان: "معنایی - ارتباطی" به مخاطبان معرفی نمود.

سبک معنایی - ارتباطی را می‌توان بهترین و مطلوب‌ترین روش در جهت انتقال معانی و مفاهیم زبان مبدأ (قرآن کریم) به‌ویژه تعابیر مجاز، استعاره‌ها، کنایه‌ها، اصطلاحات و اسامی مبهم، ضرب‌المثل‌ها، حذف‌ها و تقدیرها و ... دانست.

ترجمه مجتبی‌ی غالباً با ساختارهای زبان مبدأ معادل و مطابق است، این ترجمه در مواردی که ایجاد تعادل ساختاری و محتوایی مشکل بوده، عمدتاً با روش معنایی و ارتباطی این تطابق و تعادل معنایی را برقرار کرده است؛ بنابراین، ترجمه مجتبی‌ی را می‌توان از ترجمه‌های کم‌نقص و مطلوب در روزگار معاصر معرفی نمود.

۳-۳- چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب تعیین سبک ترجمه مجتبی‌ی انجام گرفته است. با پرداختن به این مبحث مهم در ترجمه مجتبی‌ی می‌توان یکی از چالش‌های پیش‌روی ترجمه قرآن کریم را مطرح نمود و مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. نگارنده در این پژوهش، در صدد است با روش توصیفی - تحلیلی و با انتخاب کاملاً تصادفی مثال‌ها از سوره‌های گوناگون قرآن کریم به بررسی و تعیین سبک و شیوه ترجمه مجتبی‌ی قرآن کریم بپردازد؛ بنابراین، از نمونه‌های منتخب سبک ترجمه معنایی - ارتباطی در این ترجمه، به بررسی استعاره، مجاز، کنایه، فعل مجهول، مفعول مطلق، حذف و تقدیر، اصطلاحات و اسامی مبهم، وجوه قرآنی موجود در متن مقدس قرآن کریم، اقدام نموده است.

نویسنده بر آن است تا در راستای مقایسه سبک معنایی - ارتباطی در ترجمه مجتبی‌ی، با استفاده از برخی از ترجمه‌های منتخب معاصر، تلفیقی و ترکیبی بودن سبک ترجمه مجتبی‌ی، یعنی "معنایی - ارتباطی" بودن آن را ثابت کرده و همچنین مزایای آن را تبیین نماید. پژوهش حاضر را می‌توان نخستین مطالعه زبان‌شناختی در مبحث تعیین سبک ترجمه مجتبی‌ی در چارچوب نظری فوق قلمداد کرد.

از آنجا که در این پژوهش، بررسی و تحلیل موضوعی تمام شاخص‌های سبکی در ترجمه مجتبی‌ی ممکن نیست. لذا نگارنده در حدّ توان این پژوهش و تأمین هدف آن، به‌صورتی کاملاً تصادفی، داده‌های مورد مطالعه را از سراسر ترجمه مجتبی‌ی انتخاب، و به تناسب ظرفیت این مقاله به بیان تعدادی از آنها اکتفا کرده، و بررسی بیشتر این موضوع را برای پژوهندگان آینده، به‌عنوان مطالعات بعدی پیشنهاد می‌کند.

این مقاله، در تلاش است تا با بررسی گزینشی و موردی ترجمه‌ی مجتبی‌ی و نیز مقایسه آن با دیگر ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، بدین نتیجه دست یابد که ترجمه‌ی مجتبی‌ی اساساً ترجمه‌ای تلفیقی و ترکیبی به‌نام: "معنایی (تحت‌اللفظی) - ارتباطی" است.

۴- بررسی ویژگی‌های ترجمه معنایی - ارتباطی مجتبی‌ی

ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با رایج‌ترین واژگان، اصطلاحات و ساخت‌های دستوری، به زبان مقصد برمی‌گرداند. نگارنده در این مقاله، در صدد است که با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی ترجمه مجتبوی پردازد و شیوه ترجمه برخی مؤلفه‌ها و شاخص‌های این ترجمه، همانند: استعاره، مجاز، کنایه و ... را در متن مقدس قرآن کریم را با انتخاب تصادفی مثال‌ها از سوره‌های گوناگون نشان دهد و در راستای مقایسه آن، با برخی از ترجمه‌های معاصر مشهور، "معنایی (تحت‌اللفظی) - ارتباطی" بودن این ترجمه و همچنین مزایای آن را به اثبات برساند:

۱ - ۴ - ترجمه معنایی - ارتباطی استعاره

صاحب‌نظران و ناقدان عرصه ترجمه، در برگردان تعبیر مجازی، به‌ویژه استعاره، روش یکسان و مناسبی اتخاذ نکرده‌اند؛ بلکه گاه از روش تحت‌اللفظی صرف بهره برده‌اند؛ گاه با استفاده از روش معنایی، برگردان قابل قبولی را ارائه داده، و در مواردی نیز با بهره‌گیری از روش تفسیری، دلالت‌های تعبیر مجازی را توضیح داده‌اند؛ اما غالباً ملاحظه می‌گردد که بیشتر مترجمان از روش تحت‌اللفظی (معنایی) - ارتباطی که بهترین روش در انتقال آرایه‌های بلاغی نهفته در تعبیر مجازی است، غفلت ورزیده‌اند. شایان توجه است که با تأملی کوتاه در غالب ترجمه‌های حرفی معاصر، می‌توان دریافت که روش حرفی و تحت‌اللفظی ضعیف‌ترین شیوه برای برگردان استعاره است؛ چراکه بعضاً سبب عدم انتقال ویژگی‌ها و لطایف بلاغی نهفته در معانی ثانوی تعبیر استعاری گردیده و لذا معانی مبهمی را به مخاطبان انتقال می‌دهد؛ لذا این نوع ترجمه برای معادل‌یابی اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، استعاره‌ها، مجازها و کنایات اساساً ناتوان است (امرایی، ۱۳۹۵: ۲۰۰). اگرچه برخی ناقدان ترجمه آن را بهترین روش برای انتقال تصاویر و ترکیب‌های بدیع به خواننده دانسته است (ر.ک: ناظمیان، ۱۳۸۶: ۱۹)؛ ولی نمی‌توان آن را ترجمه‌ای مقبول ارزیابی کرد. اکنون برای اثبات این مدعا به بررسی تطبیقی چند مورد از استعاره‌های قرآنی و شیوه ترجمه آن در ترجمه مجتبوی و برخی مترجمان معاصر پرداخته می‌شود:

۱ - ۱ - ۴ - ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)

مجتبوی: و همگی به ریسمان خدای - توحید، دین و کتاب خدا - چنگ زنید و پراکنده مشوید
معزی: و چنگ زنید به رشته خدا همگی و پراکنده مشوید.
شعرانی: و متمسک شوید بر رشته خدا همه و متفرق نشوید.

نقد و ارزیابی

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، آقای مجتبوی در ترجمه‌ی استعاره، کاملاً تحت‌اللفظی (معنایی) ارتباطی و مخاطب‌محور عمل نموده است. در این آیه، مترجم واژه "حبل" را به شیوه معنایی - ارتباطی یا اصطلاحی ترجمه نموده است؛ زیرا از معانی ثانوی واژه "حبل"، یعنی مستعارمنه آن: (عهد، ایمان، اطاعت، قرآن) (زمخشری، ۱۱۵/۱) در قالب اضافات توضیحی و تفسیری برای بیان معنای حرفی و ظاهری "حبل" استفاده کرده است. ترجمه معنایی - ارتباطی مجتبوی دقیق‌ترین و مطلوب‌ترین ترجمه برای برگردان استعاره تصریحیه اصلیه "حبل" است؛ زیرا

مخاطب علاوه بر معنای حرفی و تحت‌اللفظی واژه "حبل"، معنای مجازی و پنهان آن را نیز در اختیار دارد. شایان توجه است که در ترجمه‌ی حرفی و تحت‌اللفظی واژه "حبل" مانند ترجمه شعرانی و معزی، یک مشکل جدی پیش می‌آید و باید حتماً به صورت معنایی - ارتباطی ترجمه شود؛ زیرا چنانچه فردی معنای "حبل" را در زبان عربی نداند، این ترجمه را بخواند؛ هرگز به مفهوم صحیح آیه و اینکه منظور از "حبل" چیست، رهنمون نمی‌گردد. این موضوع، دقیقاً یکی از معایب و کاستی‌های ترجمه‌ی تحت‌اللفظی کنایه‌ها و استعاره‌ها در قرآن محسوب می‌شود (امرایی و معروف، ۱۳۹۴: ۸). قابل ذکر است که غالب مفسران زبان قرآن، اتفاق نظر دارند که منظور از "حبل" الله همان قرآن کریم، دین اسلام یا عهد و پیمان با خداوند است که موجب ارتباط مسلمان با خدای خود شده و هر آنچه که یک چیز را به چیز دیگری وصل می‌کند، "سبب و حبل" نامیده می‌شود. (جزائری، ۲۰۰۰م: ۱۶۸). شایان توجه است که مجتبوی غالب تعابیر مجازی، استعاره‌ها، کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ... را به سبک معنایی - ارتباطی و یا معنایی (محتوایی) برگردان نموده‌اند و ترجمه تحت‌اللفظی استعاره‌ها کمتر در ترجمه وی قابل ملاحظه است.

۲ - ۱ - ۴ - ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ (بقره/۱۲)

مجتبوی: در دل‌هاشان بیماری - از شک و نفاق - هست، پس خدا بیماری آنان را بیفزود - یا بیفزاید -

معزی: در دل‌های آنان است مرضی و خدا بیفزودشان مرضی.

دهلوی: در دل ایشان بیماری است پس افزون داد خدا بایشان بیماری را.

قرآن کریم، سیزده بار از لفظ «مرض» برای اشاره به کفر و نفاق استفاده کرده است. از جمله در این عبارت قرآنی، واژه «مَرَضٌ» دارای استعاره تصریحیه اصلیه است (خطیب قزوینی، ۱۴۲۴: ۲۲۸). در آیه شریفه، شک و نفاق در دل‌های کافران، به صورت استعاره بیان شده و مجتبوی آن را به شکل «در دل‌هاشان بیماری - از شک و نفاق - هست» ترجمه نموده که ترجمه‌ای معنایی - ارتباطی و سلیس و روان از استعاره مذکور است. معزی، تنها معنای حقیقی و تحت‌اللفظی استعاره یعنی "مرضی" را ذکر نموده که مبهم و نامفهوم است، مانند: «دل‌های آنان است مرضی». ترجمه معزی، اگرچه ترجمه‌ای مطابق با متن مبدأ (قرآن) است؛ اما در نقد این ترجمه، باید گفت: آنچه که در دل‌های منافقان و کافران هست، شک و نفاق است، نه بیماری ظاهری که معزی و دهلوی آورده‌اند. همان‌علاقه مکانیت یا محلّیت در مجاز عقلی که در زبان عربی نیز کاربرد دارد و قابل فهم است، در زبان فارسی این‌گونه نیست و همین امر سبب شده است که عبارت «دل‌های آنان است مرضی» یا «در دل ایشان بیماری است» و نمونه‌هایی لفظی از این دست، مبهم و نارسا باشد. دهلوی نیز این استعاره را به روش تحت‌اللفظی، "بیماری" ترجمه کرده است که مبهم است؛ زیرا از کلمه «بیماری» در زبان فارسی، معنای «نفاق و شک» فهمیده نمی‌شود؛ بلکه معنای «بیماری و مریضی» از آن مستفاد می‌گردد.

با نگاهی به آیات دیگر که در آن‌ها تعبیرات استعاری به چشم می‌خورد نیز مجتبوی ترجمه‌ای معنایی - ارتباطی و تفسیری و غیر تحت‌اللفظی ارائه داده است، از جمله آیه ۲۰ سوره حجر، آیه ۴۴ سوره حجر، آیه ۹۴ سوره حجر، آیه ۲۷ سوره نحل، آیه ۹۲ سوره یس، آیه ۳۷ سوره یس، آیه ۱۲ سوره أنعام، آیه ۲۲ سوره تکویر، آیه ۱۰ سوره

تکویر، آیه ۲۱ سوره بقره و... این امر سبب شده است ترجمه وی از استعارات قرآنی، در عین دقیق بودن، روان و قابل فهم نیز باشد؛ اما در ترجمه‌های تحت‌اللفظی صورت پذیرفته از استعارات، همان‌گونه که ملاحظه گردید، غالباً این نتیجه به چشم نمی‌خورد پس ترجمه تحت‌اللفظی روش مناسبی برای ترجمه استعاره‌ها به شمار نمی‌آید، چرا که این شیوه، استعاره را به صورت مبهم درآورده و موجب تشویش در فهم مراد است (فیروزجایی، ۱۳۹۴: ۳۴).

۲ - ۴ - ترجمه معنایی - ارتباطی مجاز

مطالعه ترجمه‌های معاصر قرآن کریم نشان می‌دهد که بهترین روش برای ترجمه تعابیر مجاز، ابتدا روش «معنایی - ارتباطی»، سپس روش «معنایی» است؛ اما روش تحت‌اللفظی، ضعیف‌ترین شیوه برای برگردان مجاز است. این موضوع اساسی‌ترین لغزش مترجم در راستای ترجمه ساختارهای مجازی است؛ زیرا روش تحت‌اللفظی در برگردان لطایف و ظرایف معنایی و بلاغی تعابیر مجازی غالباً ضعیف و ناتوان است. جلال‌الدین مجتبوی برای بیان مفاهیم مجاز، غالباً از روش روش تلفیقی و ترکیبی «معنایی - ارتباطی» استفاده نموده‌اند که قوی‌ترین سبک در برگردان تعابیر مجازی تلقی می‌گردد. قابل ذکر است که مجتبوی به ندرت از روش حرفی و تحت‌اللفظی در برگردان تعابیر مجاز بهره برده؛ بلکه غالباً تعابیر مجاز را به سبک ارتباطی یا اصطلاحی و احیاناً معنایی یا محتوایی به زبان مقصد انتقال داده است.

اکنون شیوه برگردان مجاز را در ترجمه مجتبوی با برخی ترجمه‌های معاصر مورد بررسی قرار داده تا نشان دهیم که روش تحت‌اللفظی برای برگردان مجازها غالباً مناسب نبوده؛ بلکه روش معنایی یا معنایی - ارتباطی، می‌تواند مناسب‌ترین سبک‌ها برای برگردان مجاز باشد:

۱ - ۲ - ۴ - ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ (مزمّل/۲۲)

مجتبوی: اگر [امروز] کافر باشید، پس چگونه پروا می‌کنید از [عذاب] روزی که کودکان را سپید موی - پیر - می‌گرداند؟!

معزی: پس چگونه پرهیزید اگر کفر ورزید روزی را که بگرداند کودکان را پیر.

خواجو: پس اگر کافر باشید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می‌گرداند خویش را می‌رهانید؟

آیتی: اگر کافر باشید، در روزی که کودکان را پیر می‌گرداند چگونه در امان مانید؟

در آیه شریفه ﴿يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ پیر کردن به واژه «یوم» نسبت داده شده است، در حالیکه «یوم» فاعل حقیقی نیست؛ بلکه تنها ظرف زمان پیر شدن کودکان است (سیوطی، ۲۲۲۹: ۹۱/۷). این نکته که «یوم» فاعل حقیقی نیست، و فاعل عذاب روز قیامت و یا شدت هول وهراس آن روز است که سبب پیر شدن فرزندان می‌گردد، در ترجمه مجتبوی به سبک معنایی - ارتباطی نشان داده شده است، مانند: «پس چگونه پروا می‌کنید از [عذاب] روزی که کودکان را سپید موی - پیر - می‌گرداند؟!؛ چرا که وی به ترجمه تحت‌اللفظی و ذکر معنای حقیقی و لغوی واژه «یوم» بسنده نکرده؛ بلکه معنای مجازی آن را نیز آورده است؛ اما این مزایا در ترجمه‌های حرفی و تحت‌اللفظی به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال معزی، آیتی و خواجو، معنای حقیقی و لغوی واژه را فقط ذکر کرده‌اند و واژه «یوم» را فاعل حقیقی قرار داده‌اند که ترجمه‌ای مبهم و نارسا به نظر می‌رسد؛ چون فقط به

فکر وفادار بودن به متن مبدأ بوده‌اند. در این آیه شریفه، روز کودکان را پیر نکرده؛ بلکه پیر شدن کودکان کار عذاب و طولانی بودن آن روز بوده است.

۲-۲-۴ - ﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّل لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ﴾ (غافر/۱۳)

مجتبوی: اوست که نشانه‌های خود را به شما می‌نماید و برای شما از آسمان روزی - باران - فرومی‌فرستد، و پند نگیرد مگر کسی که [به دل به خدا] باز می‌گردد.

معزی: و است آنکه بنماید به شما آیت‌های خویش را و فرستد برای شما از آسمان روزی و یادآور نشود مگر آنکه بازگشت کند.

شعرانی: اوست که مینماید بشما آیت‌هایش را و فرو می‌فرستد برای شما از آسمان روزی را و پند نمی‌گیرد جز کسی که بازگشت مینماید.

دهلوی: آنانکه مینماید شما را نشانهای خود و فرو می‌فرستد برای شما از آسمان رزق را و پندپذیر نمیشود مگر کسیکه رجوع میکند بخدا.

نقد و ارزیابی

همان‌گونه که قابل ملاحظه است، لفظ «رزقاً» در آیه شریفه، مجاز مفرد مرسل و مفعول واقعی جمله است (سیوطی، ۱۹۷۴: ۱۲۶/۳). بنابر این باران و آبی که از آسمان فرود آمده، سبب اصلی این رزق است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مجتبوی لطافت و ظرافت معنایی این مجاز را با استفاده از سبک ترجمه معنایی - ارتباطی و با اضافاتی تفسیری در داخل دو خط فاصله به مخاطبان انتقال داده است. و نشان داده که باران سبب اصلی این رزق و روزی بوده است. همو، در برگردان این مجاز، به ذکر معنای حقیقی و لغوی واژه بسنده نکرده، بلکه معنای مجازی و پنهان آن را نیز آورده، و بدین‌وسیله ترجمه‌ای با سبک معنایی - ارتباطی ارائه داده است؛ اما این نکات در ترجمه‌های تحت‌اللفظی به چشم نمی‌خورد و معزی، شعرانی و دهلوی تنها به بازتاب معنای حقیقی و لغوی واژه پرداخته‌اند و گفته‌اند: «و فرو می‌فرستد برای شما از آسمان رزق را».

۳ - ۴ - ترجمه معنایی - ارتباطی کنایه

«کنایه» از ساختارهای مجازی دانش بلاغت و از اسالیب مهم بیان در قرآن کریم به شمار می‌رود؛ لذا ترجمه آن به دیگر زبان‌ها نیازمند تأملات بلاغی ویژه‌ای است. برخی مترجمان و مفسران قرآن، با ملحوظ داشتن معنای حرفی و تحت‌اللفظی صرف در ترجمه تعابیر کنایی، بدون عنایت به بازتاب ویژگی‌ها و لطایف بلاغی آنها، احیاناً موجب ابهام و عدم استیفای کامل معنای ثانوی و پنهان کنایه در ترجمه‌های فارسی گشته‌اند. این موضوع، دقیقاً یکی از معایب و کاستی‌های ترجمه‌های تحت‌اللفظی کنایات در غالب ترجمه‌های فارسی قرآن کریم است. با تأمل در غالب ترجمه‌های معاصر، می‌توان گفت که در ترجمه تعابیر کنایی، بهترین روش، شیوه کنایی است، در غیر این صورت، باید به شیوه معنایی (ترجمه مجازی) و نهایتاً به شیوه معنایی - ارتباطی روی آورد و حتی‌المقدور از

ترجمه حرفی صرف نظر نمود. نگارنده، در این بخش از پژوهش، سبک ترجمه شماری از تعابیر کنایی منتخب از ترجمه مجتبوی را در مقایسه با دیگر مترجمان مورد نقد و ارزیابی قرار داده است:

۱ - ۳ - ۴ - ﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود/۵۶)

مجتبوی: «هیچ جنبنده‌ای نیست مگر آنکه او گیرنده موی پیشانی اوست - در حیطه قدرت و فرمانروایی خداست - همانا پروردگار من بر راه راست است.

دهلوی: نیست هیچ جنبنده مگر خدا بدست گرفته است موی پیشانی او را هر آئینه پروردگار من بر راه راست است.

مصباح‌زاده: نیست هیچ جنبنده مگر که او گیرنده است موی پیشانی او را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است.

معزی: نیست جنبنده‌ای جز آنکه او است گیرنده پیشانیش پروردگار من است بر راهی راست.

نقد و ارزیابی

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مجتبوی در ترجمه عبارت کنایی «آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا» علاوه بر ذکر معنای حرفی و تحت‌اللفظی عبارت، یعنی: «گیرنده موی پیشانی اوست»، معنا و مفهوم این کنایه در زبان مقصد را هم به سبک ارتباطی ذکر کرده است: «در حیطه قدرت و فرمانروایی خداست»؛ تا بدین وسیله ترجمه‌ای معنایی - ارتباطی و همچنین سلیس و قابل فهم از این تعبیر کنایی ارائه داده باشد. اما دهلوی، معزی و مصباح‌زاده در برگردان این عبارت کنایی به سبک ترجمه تحت‌اللفظی صرف عمل نموده، و چنین ترجمه کرده‌اند: «گرفته است موی پیشانی او را ...» که این ترجمه‌ها برخلاف ترجمه مجتبوی، وفادار به متن مبدأ و مبهم هستند. و توفیق چندانی در بازتاب معنا و پیام عبارت کنایی به خواننده نیافته‌اند که سبب این امر تنها اعتماد مطلق به روش حرفی و لفظی در برگردان تعابیر کنایی است.

۲ - ۳ - ۴ - ﴿وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (اعراف/۷۲)

مجتبوی: و بنیاد کسانی را که آیات - نشانه‌ها و سخنان - ما را دروغ انگاشتند و مؤمن نبودند برانداختیم.

معزی: و بریدیم دنباله آنان را که تکذیب کردند آیت‌های ما را و نبودند مؤمنان.

مصباح‌زاده: و بریدیم دنباله آنان را که تکذیب کردند آیت‌های ما را و نبودند گروندگان.

دهلوی: و بریدیم بیخ آنانکه دروغ می‌داشتند آیات ما را و نبودند از مومنان.

نقد و ارزیابی

مجتبوی در برگردان عبارت کنایی موجود در این آیه شریفه، به روش معنایی (محتوایی) عمل نموده و تنها معادل کنایی آیه را در زبان مقصد (ترجمه) برایش قرار داده است. تا بدین ترتیب، ترجمه‌ای ارتباطی ارائه داده باشد؛ چراکه ترکیب کنایی آیه در زبان مقصد دارای معادلی مطلوب و مشخص است و می‌توان از آن استفاده کرد؛ اما شعرانی، دهلوی و مصباح‌زاده به ارائه ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و ظاهری برای عبارت کنایی بسنده کرده‌اند که در انتقال معنا و مضمون آیه کاملاً ناتوان است. این در حالی است که معادل کنایی این عبارت کنایی، یعنی "بنیاد کسی

را برانداختن" در زبان فارسی موجود است و لذا مجتبوی به زیبایی به برگردان معادل کنایی فارسی برای عبارت کنایی موجود در این آیه شریفه اقدام نموده است. ترجمه مجتبوی، برعکس ترجمه دهلوی، معزی و شعرانی، ترجمه‌ای تحت اللفظی و نامفهوم نیست، و لذا معنا و مفهوم صحیح و دقیق عبارت کنایی را به خواننده بازتاب می‌دهد.

۴ - ۴ - ترجمه فعل مجهول

در ترجمه‌های تحت اللفظی به عمل آمده از قرآن، فعل مجهول همیشه به صورت مجهول ترجمه شده است که این امر نشانگر وفادار بودن این ترجمه‌ها و مطابقت کامل آن‌ها با نص قرآن است. اما در ترجمه‌های تفسیری، گاه مترجمان به قواعد صرف و نحو پایبندند و گاه این قواعد را رعایت نمی‌کنند. این امر نشانگر این است که این مترجمان، پایبندی کامل به قواعد دستوری و سبک زبان مبدأ را در ترجمه، در درجه اول اهمیت قرار نمی‌دهند و معنا و محتوای ضمنی متن قرآن را فدای قواعد و دستور زبان نمی‌کنند؛ بلکه برعکس، تا جایی که ممکن باشد، با زیرکی تمام، به این قواعد پایبندند و مثلاً فعل مجهول را صورت مجهول ترجمه می‌کنند و گاه این افعال را به صورت معلوم به زبان مقصد برمی‌گردانند. ترجمه مجتبوی از این دست ترجمه‌ها است. وی فعل مجهول را بیشتر مواقع به صورت مجهول، گاهی مواقع به صورت معلوم و در برخی مواقع نیز به صورت غیر فعلی و به صورت مصدری ترجمه می‌کند (ر.ک: فیروزجایی، ۱۳۹۴: ۴۴). به عنوان مثال از میان ۳۰ فعل مجهول انتخاب شده به صورت تصادفی از سوره‌های مختلف قرآن کریم و بررسی ترجمه مجتبوی از آن، مشخص شد که وی از آن افعال مجهول، ۱۸ فعل را به صورت مجهول، ۱۰ فعل را به صورت معلوم و ۲ فعل دیگر را نیز به صورت مصدری برگردانده است.

مجتبوی، افعال مجهول موجود در آیات شماره: بقره/۱۱/۲۰۶؛ توبه/۳۸؛ نحل/۲۴؛ فرقان/۶۰؛ مجادله/۱۱؛ انبیاء/۶۰؛ فصلت/۴۳؛ بقره/۱۱ را به صورت معلوم و نیز فعل‌های مجهول موجود در آیات شماره: لقمان/۲۱؛ یاسین/۴۵؛ یس/۴۷؛ صافات/۳۵؛ جاثیه/۳۲؛ منافقون/۵؛ مطفین/۱۷؛ مرسلات/۴۸؛ آل عمران/۶۷؛ کویر/۹؛ بقره/۱۳/۹۱/۱۷۰؛ نساء/۶۱/۷۷؛ مائده/۱۰؛ نحل/۳۰؛ را به صورت مجهول ترجمه کرده است. همو، فعل‌های مجهول موجود در آیه ۵۴ سوره توبه و آیه ۷۰ سوره قلم را به صورت مصدری ترجمه کرده است.

شایان توجه است که نمونه‌های فراوانی از افعال مجهول در ترجمه مجتبوی، با اعتماد به سبک معنایی و ارتباطی به صیغه معلوم، مصدری و ... ترجمه شده که غالباً در برگردان آنها تأکید بر روانی و انتقال پیام است. بدین معنا که ساختار فعل به گونه‌ای بنا نهاده شده است که ظاهری معلوم به خود گرفته و در معنا تبدیل به مجهول می‌گردد.

۵ - ۴ - ترجمه مفعول مطلق

مفعول مطلق در غالب ترجمه‌های تحت اللفظی عیناً و بدون تغییر از زبان مبدا به زبان مقصد برگردانده می‌شود؛ اما مجتبوی در برگردان مفعول مطلق، ترجمه‌ای معنایی و ارتباطی از آن ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه می‌توان مثال‌های زیر را که به سبک ارتباطی انجام پذیرفته است، مثنی نمونه خروار دانست:

۱ - ۵ - ۴ - ﴿يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً﴾ (طور / ۱۳)

مجتبوی: روزی که آنان را بسختی به سوی آتش دوزخ برانند.

معزی: روزی که رانده شوند به سوی آتش دوزخ راندنی.

فولادوند: روزی که به سوی آتش جهنم کشیده می‌شوند] چه] کشیدنی.

صادقی‌تهرانی: روزی که با پرتابی سوی آتش جهنم به شدت کشیده می‌شوند، چه کشیدنی!

نقد و ارزیابی:

در این آیه شریفه، معزی، فولادوند و صادقی‌تهرانی، مفعول مطلق را بدون هیچ‌گونه کم و کاست و دقیقاً به همان شکل و اسلوبی که در متن قرآن آمده، به زبان فارسی برگردانده‌اند. «دَعَاً» مفعول مطلق تأکیدی است (الدعاص، ۱۴۲۵ه: ۲/۲۳۳) که در زبان فارسی، معمولاً به صورت "قید" تأکید یا کیفیت بیان می‌شود. (قلی‌زاده، ۱۳۸۰ش: ۳۹) در ترجمه‌ی آقای معزی، فولادوند و صادقی‌تهرانی که ترجمه‌ای حرفی و تحت‌اللفظی است، مفعول مطلق «دَعَاً» بر اساس تشابه ساختاری و لفظ به لفظ به متن مبدأ، و نه تعادل ساختاری، به زبان فارسی برگردان شده است که نه تنها معادل و مطابق نیست؛ بلکه اصولاً در زبان فارسی چنین اسلوبی، ناشناخته و غیر قابل قبول است و در حقیقت خروج از زبان معیار و نوعی عربی‌گرایی است. در ترجمه‌ی صادقی‌تهرانی نیز واژه "با پرتابی" بیشتر اضافه‌ای تفسیری تلقی می‌شود که داخل پرائتز نیست؛ لذا می‌توان گفت که ترجمه‌ی ایشان از این منظر خالی از اشکال ساختاری نیست. تنها ترجمه‌ای که مفعول مطلق را با توجه به ساختارهای زبان مبدأ و مقصد، به صورت صحیح به زبان مقصد منعکس نموده است، ترجمه‌ی ارتباطی مجتبوی است.

قابل ذکر است، دیگر مترجمان وفادار به زبان قرآن کریم نیز گاه‌گاهی مرتکب این گونه عربی‌زدگی‌های ساختاری گردیده‌اند، چنانکه فولادوند در ترجمه‌ی آیه ۲۰ سوره‌ی فجر، چنین گفته است: «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار). با این حال، ترجمه ارتباطی مجتبوی از آیه شریفه، تعادل ساختاری بیشتری نسبت به ترجمه‌های تحت‌اللفظی دارد که غالباً بر اساس تشابه ساختاری به زبان مبدأ برگردان شده و احیاناً مبهم و نامفهوم می‌نمایند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، جلال‌الدین مجتبوی به نص صریح قرآن کریم و ویژگی‌های ادبی و دستوری آن پایبند نیست؛ بلکه غالباً به دنبال درک معنا و ارائه آن در قالب دستوری زبان مقصد است تا ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی از زبان مقصد ارائه کند.

۶-۴- حذف و تقدیرها در ترجمه

جملات و عبارات محذوف بسیاری در سراسر قرآن کریم به چشم می‌خورد که از مهمترین موارد آن، می‌توان به حذف شرط و جواب شرط، انواع قسم، مبتدا، خبر، مفعول به و ... اشاره نمود. برگردان این جمله‌ها و عبارت‌های محذوف قرآنی، در ترجمه‌ی فارسی، از طرفی می‌تواند سببی برای وفاداری به متن باشد و از طرف دیگر نیز موجب دقت بیشتر در انتقال کامل معنا و محتوای پیام‌های زبان قرآن می‌شود (ر.ک: امرایی و معروف، ۱۳۹۴ش: ۲۹). در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، واژگان متن مبدأ از نظر لغوی و نه معنایی و محتوایی، هریک به زبان مقصد ترجمه می‌شوند؛ بدون آنکه به جهات دیگر زبان از جمله عبارات یا جمله‌های محذوف آن توجهی شود (ناصری،

۱۳۹۳: ۱۳۳)؛ ولی در ترجمه جلال‌الدین مجتبوی که غالباً ترجمه‌ای معنایی - ارتباطی از قرآن کریم است، غالب جملات و عبارات محذوف به متن ترجمه بازگردانیده شده است. قابل ذکر است که مجتبوی از باب دقت و وفاداری بیشتر نسبت به متن مبدأ، تا آنجا که مقدور بوده، آنها را با استفاده از سبک ارتباطی، در داخل دو خط فاصله ذکر کرده است تا از آمیخته شدن با متن مقصد (ترجمه) جلوگیری گردد:

۱ - ۶ - ۴ - ﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلَّ اللَّهُ الْأَمْرَ جَمِيعًا﴾ (رعد/۳۱)

مجتبوی: و اگر قرآنی می بود که کوهها بدان به حرکت در می آمد و زمین بدان پاره پاره می شد و مردگان با آن به سخن در می آمدند (باز هم کافران ایمان نمی آوردند)

معزی: و اگر می بود قرآنی که روان می شدند بدان کوهها یا پاشیده می شد بدان زمین یا سخن گفته می شدند بدان مردگان.

مصباحزاده: و اگر آنکه میبود قرآنی که براه افتادی بان کوهها یا پاره پاره شدی بان زمین یا بسخن در آورده شدی بان مردگان.

آیتی: اگر قرآنی توانست بود که کوهها بدان به جنبش آیند یا زمین پاره پاره شود یا مردگان را به سخن آرد، جز این قرآن نمی بود، که همه کارها از آن خداست.

نقد و ارزیابی

همان گونه که ملاحظه می گردد مجتبوی با بهره گیری از سبک ارتباطی در ترجمه، جواب شرط محذوف "لو" را شناسایی نموده؛ اما این بار برخلاف دفعات پیشین که داخل خط فاصله می آوردند، ترجمه فارسی آیه را در داخل پرانتز ذکر نموده اند. شایان توجه است که غالب مترجمانی که جواب "لو" شرطیه را در این آیه ذکر نموده اند، همگی عبارات مشابهی مانند (باز ایمان نمی آوردند، ایمان نمی آوردند، باز هم در آنان اثر نخواهد کرد و ...) را به کار برده اند. مجتبوی، با بهره گیری از روش ترجمه ارتباطی، تلاش مضاعفی نموده تا پیام زبان مبدأ را به صورت کامل و بدون دغدغهی محدودیت الفاظ و کلمات، به زبان مقصد منعکس نمایند؛ لذا ترجمه ارتباطی یادشده برای روشن تر شدن کلام الهی جواب شرط محذوف را در ترجمه بازتاب داده، و البته برای حفظ امانت در داخل پرانتز ارائه کرده است؛ اما در ترجمه های آیتی، مصباحزاده و معزی که با سبک حرفی و تحت اللفظی برگردان شده اند، جمله جواب شرط محذوف شناسایی و برگردان نشده است. بی دقتی مترجمان ترجمه های تحت اللفظی مذکور در تشخیص جواب شرط محذوف سبب شده تا ابهام نحوی - معنایی موجود در ترجمه این آیه شریفه کما کان باقی مانده، و برطرف نشود.

۳ - ۷ - ۶ - ﴿ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾ (ق/۱)

مجتبوی: قاف. سوگند به این قرآن ارجمند [که این پیامبر راستگوست و رستاخیز حق است].

مصباحزاده: قسم بقرآن بزرگوار.

معزی: ق سوگند به قرآن گرامی.

آیتی: قاف. قسم به این قرآن ارجمند.

نقد و ارزیابی

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آیه شریفه سوگند یاد نموده به این که رسولی از بشر بسوی آنان فرستاده شده است و قرآن که دارای مجد و کرامت است، بدان سوگند یاد نموده است. جمله "وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدِ" سوگندی است که پاسخش حذف شده است؛ چون جمله بعدی می‌فهماند که پاسخ چیست، و تقدیر کلام "وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدِ إِنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ" و یا "وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدِ إِنَّ الْإِنذَارَ حَقٌّ" می‌باشد، یعنی "به قرآن مجید سوگند که قیامت حق است" و یا "تو از انذارکنندگانی" و یا "انذار حق است" (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ج ۱۸: ۵۰۵)؛ اما هیچ‌کدام از مترجمان بجز مجتبی‌ی به ذکر جواب قسم محذوف در این آیه اقدام نکرده‌اند. ذکر محذوف در ترجمه مجتبی‌ی، سبب شده است تا ترجمه وی ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی باشد، اما در ترجمه معزی، آیتی و مصباح‌زاده از این آیه، محذوف ذکر نشده و لذا هر سه ترجمه‌ها مبهم و نارسا به نظر می‌رسند.

۷-۴- ترجمه معنایی - ارتباطی اصطلاحات و اسامی مبهم

جلال‌الدین مجتبی‌ی، غالباً در ترجمه خود از قرآن، به جهت روانی، سلاست و انتقال پیام بر اساس شیوه ترجمه معنایی - ارتباطی، اقدام به توضیح و تفسیر واژگان مبهم و اصطلاحات نامفهوم برای مخاطب نموده‌اند. این‌گونه ترجمه‌کردن غالباً خاص سبک ارتباطی مجتبی‌ی است که به نمونه‌هایی از آنها پرداخته می‌شود:

۱- ۷- ۴- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (انبیاء/۴۸)

مجتبی‌ی: و هر آینه موسی و هارون را فرقان - جداکننده حق و باطل - و روشنایی و یادآوری و پندی - تورات - برای پرهیزگاران دادیم.

۲- ۷- ۴- ﴿فَاصْبِرْ حُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾ (قلم/۴۸)

مجتبی‌ی: و مانند صاحب ماهی - یونس - مباش آنگاه که با دلی پرانده [در شکم ماهی] ندا داد.

در این آیه کلمات «فرقان» و «صاحب الحوت» از اصطلاحات و تعبیرات تخصصی قرآنی است که نیازمند توضیح و تفسیر برای مخاطب است تا معنای آن را دریابد؛ زیرا تا کسی معنای فرقان را در این آیه نداند و یا نداند که مقصود از صاحب حوت همان حضرت یونس (ع) است، طبیعتاً معنای آیه برای وی مبهم و نامفهوم خواهد بود. بنابر این، لازم است که معنای آنها به اختصار درون پرانتز، کروش، قلاب یا پرانتز به خواننده بشناساند و اگر ایضاً بیشتری طلب می‌کند بهتر است در پاورقی و ملحقات بدان پرداخت. سکوت در شناسایی این‌گونه کلمات و اصطلاحات سبب خواهد شد که خوانندگان ترجمه نتوانند به مقصود آیه دست یابند. در ترجمه مجتبی‌ی همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد افزوده‌ی تفسیری به کار رفته در متن ترجمه فارسی وافی به مقصود بوده و خواننده به راحتی می‌تواند به مفهوم صحیح فرقان و اینکه منظور از صاحب ماهی یعنی یونس (ع)، به سهولت دست یابد. این نمونه از موارد اضافه بجا و موجه در ترجمه مجتبی‌ی فراوان است که بیشتر تحت تأثیر سبک ترجمه محتوایی و ارتباطی ایشان است؛ و نیز از آن جمله است:

۳- ۷- ۴- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ (نجم/۲)

که یار شما - رسول خدا - گمراه نیست و از هوای نفس سخن نمی گوید. با تأمل در آیه فوق قابل ملاحظه است که واژه «صاحب» در زمان نزول این آیه شاید برای مردم آن زمانه معروف و شناخته شده بوده است؛ اما اکنون برای مخاطب آیه چندان قابل شناسایی و بدیهی نباشد که این موضوع عمدتاً ناشی از اختلاف فرهنگ‌ها و گذشت زمان است. بنابر این، مترجم، بهتر است، بلکه ضرورت دارد با افزوده‌ای بجای در داخل پرانتز و کروشه، مورد مبهم را از ابهام خارج سازد، و آن را به شیوه معنایی - ارتباطی ترجمه نماید؛ بدین معنی که ابتدا معنای حرفی مورد ابهام را بیاورد، سپس با اندک توضیح و تفسیری در داخل پرانتز ابهام آن را برطرف سازد. در این روش مخاطب هر دو معنای اصلی و تفسیری را نیز در اختیار دارد. چنان‌که در ترجمه مجتبوی ملاحظه می‌گردد، ایشان واژه مبهم «صاحب» را با استفاده از روش معنایی - ارتباطی به صورت: «یار شما - رسول خدا -» ترجمه نموده و ابهام موجود در لفظ «صاحب» را با لفظ «رسول خدا» برطرف نموده و منظور از همنشین را حضرت محمد (ص) معرفی نموده‌اند. این ابهام در ترجمه برخی همانند همانند خرمشاهی به قوت خود باقی و برطرف نشده است: «که همسخن شما نه سرگشته است و نه گمراه شده است» در ترجمه خرمشاهی، معلوم نشده که منظور از این همنشین چه کسی است؟ این موضوع اساساً ناشی از عدم گزینش روش متناسب برای ترجمه اسماء مبهم، اصطلاحات و تعابیر مجازی و ... است.

۵- نتیجه

تأمل در ترجمه‌ی مجتبوی و مقایسه آن با دیگر ترجمه‌های معاصر نشان می‌دهد که این ترجمه، غالباً ترجمه‌ای معنایی (تحت‌اللفظی) - ارتباطی از قرآن کریم است.

مترجم در بیشتر مواضع ترجمه خود، به سبک «معنایی - ارتباطی» ابتدا معنای حرفی و تحت‌اللفظی آیات را ذکر نموده؛ سپس محتوا و پیام آن آیات را با استفاده از روش ارتباطی در داخل دو خط فاصله و احیاناً پرانتز یا کروشه قرار داده است.

مترجم، غالباً استعاره‌ها، مجازها و کنایه‌ها را به سبک معنایی - ارتباطی ترجمه کرده است؛ بدین معنی که ابتدا معنای تحت‌اللفظی تعابیر مجازی را ذکر نموده؛ سپس بلافاصله معانی ثانوی و پنهان آنها را با استفاده از روش ارتباطی در داخل دو خط فاصله به مخاطب عرضه کرده است.

مترجم، غالباً اصطلاحات و اسامی مبهم را به سبک معنایی - ارتباطی ترجمه کرده است.

مترجم، غالباً واژگان و جوه قرآن را به سبک معنایی - ارتباطی ترجمه نموده است.

مترجم جهت بازتاب جمله‌ها و یا عبارت‌های محذوف تلاش فراوانی نموده و هر جا این محذوف‌ها را در زبان مبدأ تشخیص داده آنها را در داخل دو خط فاصله عنوان نموده است. این امر سبب شده است تا متن مقصد (ترجمه)، مبهم نبوده و مخاطب بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند.

مجتبوی، فعل مجهول را به شیوه‌های مختلفی ترجمه نموده است؛ گاهی فعل مجهول را به گونه معلوم و گاهی به صورت مصدری و غیر فعلی و اما در بیشتر مواقع به صورت مجهول ترجمه کرده است.

مترجم، در ترجمه مفعول مطلق، به سبک ارتباطی عمل نموده و به سبک ادبی و لفظی قرآن به عنوان متن مبدأ غالباً پایبند نیست.

آنچه برای مترجم، اهمیت دارد غالباً انتقال پیام و محتوای متن مبدأ و پایبندی به ساختارهای زبانی زبان مقصد و ترجمه است.

مترجم، ضمن وفاداری به متن مبدأ، به روانی و خوش‌خوانی متن مقصد نیز عنایت کامل داشته است. مترجم در انتقال معانی ثانوی و پنهان عبارات، جهت جدایی آنها از متن اصلی ترجمه، بیشتر از خط فاصله بهره برده که دلیل آن هم معلوم نیست؛ بهتر بود که از علائم نگارشی بهتری مانند پرانتز، کروشه، قلاب و ... استفاده می‌کردند. کما اینکه برخی اوقات این کار را انجام داده‌اند که این موضوع از طرفی منجر به عدم یکسان‌سازی در استفاده از علائم ویرایش و سجاوندی نیز گردیده است. مجتبوی، در مجموع توانسته است، تا حد زیادی، ظرافت‌ها و دقایق ظریف معانی قرآن کریم را نیز به متن مقصد (ترجمه) منعکس نماید.

منابع و مأخذ

القرآن الکریم

امرایی، محمدحسن و معروف، یحیی (۱۳۹۴ش)، نقدی بر ترجمه فارسی قرآن کریم حدادعادل از منظر ترجمه مفهومی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۲، شماره ۴، صص ۳۲ - ۱.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶ش)، قرآن ناطق، ط ۱، تهران: دفتر نشر اسلامی.

جواهری، سید محمدحسن (۱۳۸۴ش)، پژوهشی در انواع ترجمه قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال یازدهم، شماره ۴۲-۴۳، تابستان و پاییز صص ۱۳۶.

جواهری، سید محمدحسن (۱۳۸۸ش)، درسنامه ترجمه، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۲ش)، قرآن پژوهی، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق.

راغب أصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲هـ)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، ط ۱، بیروت: دارالعلم.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳ش)، روش‌ها و سبک‌های ترجمه ی قرآن، مجله‌ی ترجمان وحی، شماره ۱۵، صص ۶۱ - ۳۳.

زمخشری، جار الله (۱۴۰۷هـ)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ط ۳، بیروت: دارالکتاب العربی.

سبکی، بهاء‌الدین (۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م)، عروس الأفراح فی شرح تلخیص المفتاح، التحقیق: الدكتور عبد الحمید هنداوی، ط ۱، بیروت: المكتبة العصرية للطباعة والنشر.

طبرسي، فضل بن حسن (١٣٦٠ش)، ترجمه مجمع البيان فى تفسير القرآن، ترجمه على كرمى، ط ١، تهران: انتشارات فراهانى.

قلی زاده، حيدر (١٣٨٠ش)، مشكلات ساختارى ترجمه ى قرآن، ط ١، تبريز: دانشگاه تبريز.

مجتبوى، سيد جلال الدين، قرآن حكيم، انتشارات حكمت، ١٣٧٢ اثر، تهران

معرفت، محمدهادى (١٣٨٠ش)، تفسير و مفسران، ترجمه على خياط، ط ١، قم: مؤسسه فرهنگى التمهيد.

ناصرى، مهدي (١٣٩٣ش)، قرآن كريم با ترجمه ى محمدعلى رضايى اصفهانى و همكاران، ترجمه معاصر وفادار

به زبان فارسى، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حديث، دور ١، شماره ١، بهار و تابستان، ١٧٧ - ١٤٧.

هاشمى، السيد أحمد (١٤١٨ه - ١٩٩٨م)، جواهر البلاغه فى المعانى والبيان والبدیع، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمیه.